

قانون کار آن‌ها و مطالبات و سازماندهی ما

مقاله زیر سال پیش نگاشته شده و بنا بر درخواست برخی از رفقای کارگر در ایران مجدداً انتشار مییابد.

شورای دبیری

صبح روز ۲۷ آذر ۱۳۹۱، سومین طومار کارگران ایران در اعتراض به اصلاحیه قانون کار به دفتر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تحویل داده شد. به گزارش رسانه‌ها، امضاکنندگان این طومار، قانون هدفمندی یارانه‌ها را قانون «قطع یارانه‌ها» خوانده و خواستار افزایش دستمزد خود بر اساس تورم موجود شده‌اند. در طول سه ماه اخیر دو طومار اعتراضی دیگر نیز از سوی کارگران به مقامات رژیم فرستاده شده است. در بیست و هفتم خردادماه، اول مهرماه سال جاری نیز طومارهای جداگانه‌ای که هر کدام امضای ۱۰ هزار نفر از کارگران نقاط مختلف کشور را در پای خود داشت، به وزیر کار ارسال شد.

در متن نامه جدیدی که به وزیر کار تسلیم شده، با اشاره به مرحله اول طرح هدفمند سازی یارانه‌ها و افزایش قیمت کالاهای اساسی آمده است: «میانگین دستمزد کارگران بر روی هم در سال ۹۰ و سال جاری نسبت به سال‌های قبل از اجرای فاز اول قطع یارانه‌ها حتی کاهش نیز پیدا کرده است». در این نامه آمده که در این مدت مالیات بر ارزش افزوده بر روی کلیه کالاهای مصرفی حدود ۴ تا ۵ درصد افزایش پیدا کرده و عملاً حدود ۵ درصد از دستمزد روزانه کارگران به خزانه دولت سرازیر شده است. کارگران در طومار اعتراضی اخیر به وجود تعویق و بی‌نظمی در پرداخت حقوق خود اعتراض کرده‌اند. در طومار آمده است: «توام با چنین وضعیت اسفبار و غیر قابل تحملی در مورد دستمزدها، اصلاحیه‌ای بسیار ضد کارگری بر روی قانون کار که امنیت شغلی و معیشت کارگران را نشانه رفته، تهیه شده و قرار است به‌زودی به مجلس ارائه شود.» در نامه همچنین نوشته شده است: «مبنای میانگین حقوق دو سال آخر کارگران برای تعیین حقوق بازنشستگی به میانگین حقوق ۵ سال آخر آنان تغییر پیدا کرده و باعث افت شدید حقوق بازنشستگان شده است.» کارگران همچنین می‌گویند، تلاش آن‌ها در رابطه با بیمه به رغم ثبت نام و تحمل هزینه‌ها به فرجام نرسیده است. آن‌ها نوشته‌اند: «شرکت‌های پیمانکاری همچنان مشغول چپاول دسترنج کارگران هستند و ناامنی، اخراج و تعطیلی کارخانه‌ها در بدترین وضعیت چند سال گذشته خود قرار دارد».

کارگران معترض خواستار ایجاد ساز و کاری قانونی و قاطع در پرداخت به‌موقع دستمزدها شده‌اند. آن‌ها همچنین بر ضرورت تعقیب قضایی کارفرمایانی که بدون قرارداد یا با قراردادهای سفیدامضا و دستمزدهای معوقه، کارگران را وادار به کار می‌کنند تأکید کرده‌اند.

نمایندگان کارگران پس از تحویل این نامه به دفتر وزیر کار به مقابل مجلس شورای اسلامی رفته و اعتراض خود را به گوش نمایندگان رساندند.

۲۷ آذرماه، نامه دو هزار کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز در اعتراض به اصلاحیه قانون کار به مجلس شورای اسلامی تحویل داده شد.

بدیهی است که ارزیابی کارگران معترض از اصلاحیه قانون کار به طور کلی درست است. کارگران به درستی این اصلاحیه را «ضد کارگری» دانسته‌اند و می‌گویند، امنیت شغلی و معیشتی آنان با آن به خطر افتاده است. این اصلاحیه محققاً برای بهتر کردن وضعیت کارگران تدوین نگشته، بلکه هدف آن راضی نگاه داشتن سرمایه داری بومی و همچنین صندوق بین‌المللی پول و امپریالیست‌ها است. این اقدامات مذبحانه زیر لوای بهبود وضعیت کارگران نمی‌تواند مورد حمایت کارگران قرار گیرد. از این رو مارکسیست‌های انقلابی در این اعتراضات کارگری خود را سهیم دانسته و از مبارزات کارگران با هر روشی در مقابل نظام سرمایه‌داری حمایت می‌کنند. اما در عین حال، بحث در میان کارگران پیشرو را برای تدقیق مطالبات کارگران و شیوه مبارزه دامن زد.

قانون کار و زمینه طبقاتی آن

قبل از این که به مطالبات مشخص کارگران در این مقطع تاریخی، و محتوای این طومار سوم پردازیم، باید بینشی کلی از زمینه طبقاتی تدوین قانون کار و یا هر نوع قانونی و مقرراتی که برای کنترل و نظارت بر طبقه کارگر نگاشته می شوند، نگاهی بیاندازیم.

اولاً، چه قانون کار ۱۳۶۹، یا ترمیمات ۱۳۷۹ (در رابطه با کارگاه ها) و یا ترمیمات دیگر در آن، همه بیانگر تناسب قوای طبقاتی بین کارگران و کارفرمایان (و دولتشان) در یک مقطع تاریخی هستند و این امری است که در سراسر جهان نیز مصداق دارد. حکومت های ضد کارگری (حال چه رسماً راستگرا باشند یا به اصطلاح «سوسیالیست» و یا حتی «کارگری!») در کشورهای مختلف، به خصوص در کشورهای اروپایی که حدود پنج سال است به بحران اقتصادی عظیمی دچار شده اند، کوشش می کنند که به هر طریق ممکن با کاهش و محدودتر کردن قوانین حفاظت کارگران، حقوق و محدودیت های فعالیت اتحادیه ها (به خصوص حق اعتصاب) و غیره، از جمله امور حیاتی چون استانداردهای بهداشتی و ایمنی (!)، بهای سنگین برون رفت از بحران را به دوش کارگران بیاندازند! (البته، این اقدامات تحت لوای «اصلاحات»، «بهبود خدمات» و یا «کاهش حیف و میل» به عمل گذاشته می شود!)

نگاهی اجمالی به عملکرد هشت سال اخیر فعالین کارگری در داخل ایران نشانگر شکست سیاست های آنان است. با وجود فداکاری های عظیم از سوی فعالین (و حتی خانواده های آنان) در طول این سال ها، اگر فرای شجاعت و استحکام تک تک افراد درگیر این مبارزات نگاه کنیم، باید قبول کنیم که امروز وضعیت جنبش بسیار وخیم تر از زمان خاتمی است. تعداد کارگران بیکار، تعداد کارگران زندانی، تعداد کارگرانی که هنگام کار کشته و یا مجروح شده اند، تعداد کارگرانی که ماه ها حقوق خود را دریافت نکرده اند (و در بسیاری موارد از خود دولت!)، و میلیون ها کارگری که با وجود اشتغال و دریافت حقوق هنوز نمی توانند غذا و دیگر کالاهای ابتدایی مورد نیاز خانواده خود را تأمین کنند، هر روز رو به افزایش می باشد.

اصلاحات اخیر قانون کار به وضوح در زمینه ای طرح شده است که تناسب قوای طبقاتی شدیداً علیه طبقه کارگر تغییر کرده است! در چنین چارچوبی ادامه همان سیاست ها، همان چشم انداز، همان تاکتیک ها و همان نحوه سازماندهی سابق، راه برون رفتی را به وجود نخواهد آورد!

سوالات مبرم جنبش کارگری، همه حول این محور می چرخند که راه برون رفت از این بحران چیست؟

ثانیاً، فعالین جنبش کارگری که دست اندرکاران این سومین طومار اعتراضی کارگران هستند، به وضوح کلی توان و وقت صرف کرده و زحمت کشیده اند تا بتوانند امضای هزاران هزار کارگر را جمع آوری کنند. در عین حال که ما از زحمات خواهران و برادران هم طبقه ای خود از این بابت قدردانی می کنیم، از آن ها درخواست می کنیم که بیلان دو طومار قبلی را برای جنبش ارائه دهند.

آیا درسی را که جنبش کارگری از نگاشتن، امضا کردن و فرستادن طومار اول و دوم به رژیم گرفت این بود که طومار سومی را نیاز داریم؟ چند طومار دیگر باید بفرستیم تا رژیم از اصلاح قانون کار دست بکشد؟ آیا به تاکتیک های دیگری (در هماهنگی با طومارنویسی) نیز نیاز داریم؟ و آیا اصولاً در وضعیت کنونی طومارنویسی پاسخگوی مسائل بسیار بفرنج کارگران و بحران جنبش کارگری می باشد؟

قبل از این که بتوانیم تصمیمی در مورد چشم انداز، سیاست ها، تاکتیک ها و نحوه سازماندهی بگیریم، می بایست که تحلیلی مشخص از تکالیف و مطالبات مشخص کنونی داشته باشیم.

مطالبات اساسی کارگران کدامند؟

قانون کار از همان سال ۱۳۶۹، بیانگر نحوه کلی استثمر کارگران ایران از سوی سرمایه داران کشور بوده است. در واقع سندی است که قرار بود از طریق آن دولت سرمایه داری از زیاده روی های این یا آن سرمایه دار جلوگیری کند. ولی قانون کار در اصل سندی است برای تداوم استثمر کارگران و پنهان کردن آن استثمر با استفاده از عبارات قانونی و حقوقی.

در وضعیت کنونی هر تحلیلی باید نکات زیر را در نظر بگیرد:

اول، کارگران برای تضمین اجرای قانون کار باید قادر به تشکیل نهاد مستقل خود باشند (مستقل از دولت و تمام حزب های سیاسی موجود). تنها با ایجاد یک تشکل مستقل کارگری، بدون دخالت دولت و کارفرمایان است که قانون کار معنای واقعی پیدا می کند. اما، رژیم همواره «خانه کارگر» و شعبات وابسته به آن مانند «شوراهای اسلامی کار»، «انجمن های صنفی»، «انجمن های اسلامی»، «مجمع نمایندگان» و «حزب کارگران اسلامی» را به عنوان نهادهای کارگری معرفی کرده است. در صورتی که این ها در بهترین حالت همه نهادهای «زرد» و وابسته به دولت هستند و هیچ یک معرف منافع کارگران نیستند (حتی اگر در مواردی انعکاس دهنده مطالبات کارگری باشند).

دوم، کارگران خواهان افزایش دستمزدها خود متناسب با افزایش نرخ تورم هستند. با حداقل دستمزد تعیین شده از سوی شورای عالی کار، کارگران قادر به رفع ابتدایی ترین هزینه های خود، اعم از اجاره منزل، خوراک، پوشاک، ایاب و ذهاب، درمان، آموزش فرزندان و غیره، نیستند. تورم در جامعه ایران بی داد می کند. تنها از طریق افزایش دستمزدها متناسب با تورم واقعی خواهد بود که کارگران به یک دستمزد حداقل دست پیدا می کنند.

اما این مورد نیز باید تحت کنترل خود کارگران صورت گیرد. در ماه های گذشته مهره های «کارگری» رژیم مانند علیرضا محجوب، چنین مطالباتی را مطرح کرده اند و خود را به عنوان نمایندگان کارگران و مدافع آنان جلوه می دهند. برای نمونه ایشان در مصاحبات خود اعلام کرده است که: «باید حداقل دستمزد کارگران با توجه با نرخ تورم و سبد هزینه ای کالاهای مصرفی کارگران» تعیین گردد. این گفتار فریب کارانه نمی تواند مورد پذیرش کارگران قرار گیرد. زیرا اولاً نرخ تورم دولتی (۲۳ درصد) کذب محض است و تورم در جامعه ایران به مراتب بالاتر از آن است. ثانیاً آیا این «کارشناسان» و خود «شورای عالی کار» منتخب کارگران هستند و یا زائده همان «خانه کارگر»؟ ثالثاً حتی اگر قرار باشد این اقدام «دلسوزانه» انجام گیرد، ضمانت اجرایی نخواهد داشت.

کارگران در مقابل این اجحافات نمی توانند تنها با اتکا به طومار نویسی اقدامی انجام دهند. باید روش های دیگری نیز مورد بازنگری و اجرا قرار گیرد. برای نمونه کارگران با «کندکاری» و از کار انداختن ماشین آلات کهنه و دست کشیدن از کار و اشغال کارخانه ها، می توانند توطئه های کارفرمایان را خنثی سازند. کارگران باید مبارزه ای اخص برای جلوگیری از اخراج کارگران و کاهش ساعات کار سازمان دهند. کارفرمایان به بهانه عدم داشتن کار کافی و عدم داشتن درآمد و یا نداشتن وسایل یدکی؛ دست به اخراج کارگران زده اند. این روند در چند سال گذشته شدت یافته است. اخراج هر کارگری به هر علتی ممنوع باید اعلام گردد. بررسی اختلاف بین کارفرما و کارگران تنها باید از طریق نمایندگان خود کارگران در کارخانه که به صورت دمکراتیک و بدون اعمال نفوذ جاسوسان رژیم در کارخانه (مانند انجمن های اسلامی) انتخاب می گردند، صورت بگیرد. کار برای همه در کارخانه موجود است کارفرمایان می توانند با کاهش ساعت کار برای همه کارگران کار ایجاد کنند.

اگر کارفرمایان سخن از عدم سوددهی کارخانه و شرکت به میان می آورند، پاسخ کارگران این باید باشد که «دفترهای حساب و کتاب را باز کنید!» بگذارید همه کارگران مشاهده کنند که چه قدر کارخانه تولید کرده، حقوق و مزایای مدیران چه بوده و به کارگران چه قدر پرداخت شده است.

اگر کارفرمایان و دولت سرمایه داری قادر به سازماندهی تولید و استخدام کارگران نیستند، باید کنار روند و سازماندهی را به خود کارگران بسپارند. کارگران با کارایی بالاتری قادر به تولید و توزیع کالاهای کارخانه خواهند بود. کنترل کارگری بر تولید و توزیع یکی از مطالبات محوری کارگران در مقابل کارفرمایان و رژیم است.

حق اعتصاب یکی از خواست های به حق کارگران ایران است. قانون کار سابق و اصلاحیه جدید فاقد این نکته اساسی است. مبارزه در راستای اخذ حق اعتصاب و سازماندهی اعتصاب تنها راه مقابله با اجحافات کارفرمایان و دولت سرمایه داری است. اگر دولت به چنین خواستی تن ندهد، راهی جز سازماندهی اعتصاب از طریق هسته های مخفی کارگری باقی نمی ماند. کارگران ایران تنها با سازماندهی اعتصاب کارگری است که می توانند اعتماد به نفس بیابند و خود را برای مدیریت کارگری آماده کنند.

اما برای تحقق مطالبات کارگری، کارگران پیشرو همراه با متحدان خود نیاز به تدارک برای ایجاد حزب کارگری دارند. در وضعیت کنونی که کوچکترین اقدامات کارگری سرکوب و خنثی می گردد، در سطح سازماندهی نمی توان تنها متکی به کار علنی و نامه نگاری و طومار نویسی کار خود را محدود کرد. تجربه نشان داده است که کارگران پیشرو تنها با ایجاد کمیته های مخفی عمل و تدارک برای ایجاد حزب خود قادر به پیشبرد مطالبات به حق خود هستند.

دی ماه ۱۳۹۱

منبع مرتبط: [جزوه آغاز فصل نوین در جنبش کارگری](#)